



باشگاه پرنده آبی

کل حقوق یک کارگر در برابر ۹ کیلو گوشت

«آرمین سلیمانی» به نقل از روزنامه «کار و کارگر»، دستمزد کارگران را در چند کشور مقایسه کرده: «کارگر ایرانی، ارزانترین نیروی کار منطقه است و ماهانه ۱۷۳ دلار درآمد دارد. کارگران در ترکیه ۵۶۰ دلار، در عربستان ۸۰۰ دلار، در امارات ۴۰۸ دلار و در آذربایجان ۲۰۰ دلار دستمزد می‌گیرند.»

صفحه اینترنتی «خبرچه» هم اعلام کرده: «کل حقوق یک کارگر، ۹ کیلو گوشت می‌شود!»

کاربر «همون سیب گلاب» خطاب به مسئولان نوشته: «آقای دولت! حق مردم این نیست که برای افزایش حقوق کارگر بگویی تورم زاست و برای بالا بردن کرایه ناوگان عمومی، آن هم ۴۵ درصد، سکوت کنی. مردم دارند له می‌شوند.»

«شیمیا محمود» هم پرسش مشابهی دارد: «چطور کارگر باید زیر تورم حقوق بگیرد ولی مالیات بر حقوقش را با تورم حساب می‌کنید؟»

خبر تأسف بار دیگری که در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی توجه بسیاری از کاربران را به خود جلب کرد و رسانه‌ها از جمله سایت اطلاعات نیز به آن پرداختند، این بود: «یک کارگر با سابقه برای یکی از کاندیداهای شورا تبلیغ می‌کرد اما رقیب این کاندیدا برنده شد. کاندیدای برنده که به مجلس راه پیدا کرد، به سراغ همه کسانی رفت که برای رقیبش تبلیغ می‌کردند. یکی از آن‌ها هم همین کارگر بود.»

کارگری که سال‌ها در یک شغل سخت و زیان‌آور کار کرده و به دلیل مواجهه هر روزه با ریزگردهای سیمان از بیماری‌های تنفسی در امان نمانده، حالا از یک کارگر مهندس به یک کارگر ساده خدماتی تبدیل می‌شود، چون نماینده مجلس می‌خواهد تسویه حساب کند!

۱۲ سال به عنوان کارگر فنی کار کرد، گروهش ۹ و رتبه‌اش یک بود و در چارت سازمانی‌اش نوشته شده بود تکنسین تولید. ۱۲ سال مهندس صدایش می‌کردند و حقوق یک کارگر با سابقه فنی را می‌گرفت اما همه این‌ها یک شبه تغییر کرد.

در اولین روزهای کاری فروردین ۱۴۰۳ وقتی قرار بود قرارداد یک‌ساله خود را امضا کند و وارد سیزدهمین سال کاری‌اش شود، یک قرارداد یک‌ماهه مقابلش گذاشتند، گروهش را به ۶ تنزل دادند و در چارت سازمانی‌اش عنوان کارگر خدماتی ساده را ثبت کردند!

کاش مانند انتشار خبر آن پاکبان اردبیلی، انتشار این خبر هم باعث شود مسئولان واکنشی نشان بدهند و فکری به حالی این تسویه‌حساب شخصی بی‌مورد و ناعادلانه نکنند.

اخیرا ویدیویی از یک کارگر زحمتکش شهرداری اردبیل که بدون هیچ تجهیزات و امکاناتی در کانال فاضلاب پر از زباله‌ای شناور بود تا آن را تمیز کند، مورد توجه کاربران فضای مجازی قرار گرفت و بارها باز نشر شد.

«حسین رفیعی» نوشته: «این فیلم را به کسانی نشان بدهید که می‌گویند ایرانی‌ها کار نمی‌کنند و باید کارگر افغانی بیآوریم.»

کاربری با نام مستعار «یک بار می‌زیم» نوشته: «نون دونه‌ای سه عباسی، پنیر سبزی چار عباسی، آدم کارگر رو چو من وامی‌داره به غواصی!»

«نسیم» هم خطاب به این کارگر زحمتکش نوشته: «احسنست به تو برادرم، دستانت لایق بوسیدن است، نان تو پاک‌ترین نان‌هاست.»

«آزاده مختاری»، خبرنگار، از مراسم تقدیر از این پاکبان اردبیلی در شورای شهر اردبیل خبر داده و نوشته: «فیلم تلاش خالصانه او برای گشودن فاضلاب شهری مورد توجه قرار گرفته بود.»

«مینا خاکزاد» با به اشتراک گذاشتن ویدیویی از تجهیزات پاکسازی کانال‌های آب و فاضلاب در کشورهای دیگر به خانم مختاری پاسخ داد: «با احترام به شما برای انتقال موضوع، اما ایشان تقدیر لازم ندارد. شهردار و پیمانکار، تذکر لازم دارند که کارگر شهرداری را بدون تجهیزات (کلاه ایمنی، دستکش، لباس مناسب) با صورت به داخل کانال فرستاده‌اند، همین‌طور شرم بر کسانی که زباله خود را رها می‌کنند و باز هم شهرداری که چیزی به نام جمع‌آوری پسماند نمی‌داند.»

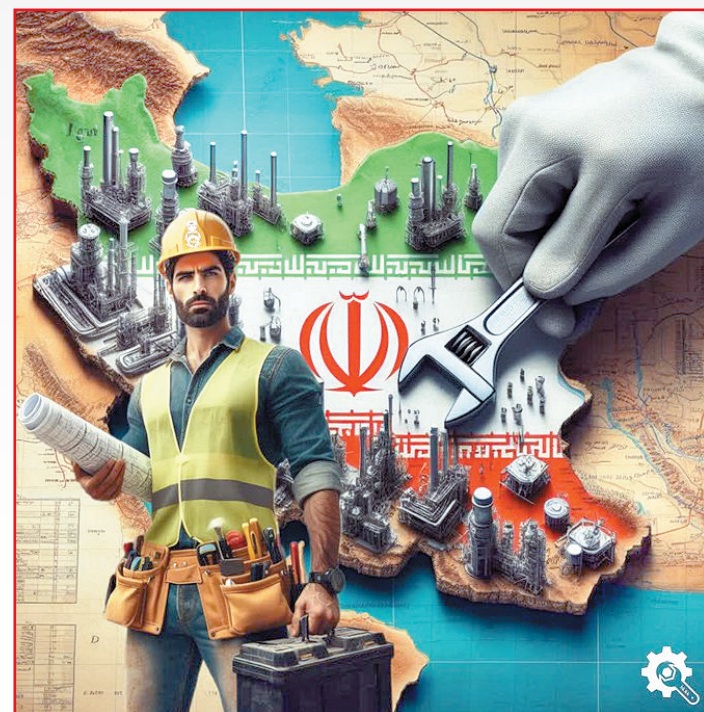
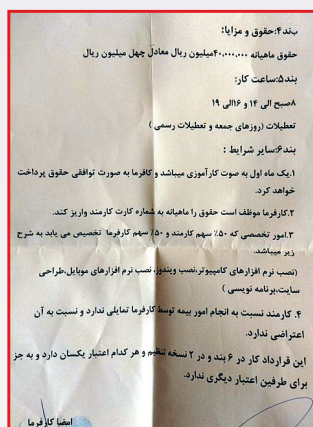
«محمد رشوند» ضمن انتشار قرارداد کاری خود نوشته: «این قرارداد مربوط به جایی است که اخیرا کار می‌کردم، ماهی چهار میلیون تومان، بیمه نیست، حتی روزهای تعطیل هم رقوم سرکار. این حق من نیست.»

«فرشاد اسماعیلی»، مشاور حقوق کار، در واکنش به این مطلب نوشته: «تک‌تک بندهای این صفحه از قرارداد، ایراد قانونی دارد که به ضرر کارگر تمام می‌شود. واقعا مشت واقعا نمونه خروار است. حاضرم قول بدهم ۸۰ تا ۹۰ درصد قراردادهای کاریتان ایرادهای قانونی دارد که به ضرر کارگر است.»

این مشاور به فکر کارگران مهاجر هم هست: «در روز ۳۰ فروردین، ۶ کارگر افغانستانی در اتاق ۱۰ متری محل اسکان کارگیشان دچار آتش‌سوزی شده و جان باختند. کارگر ارزان افغانستانی که نه دستمزد درستی دارد، نه بیمه و نه امنیت قضایی، حتی از یک قوطی کبریت امن برای این که سرش را بگذارد و بخوابد و فردایش زنده بیدار شود هم محروم است.»

«طییب ناتوان‌های دست و پاشکسته» اعتقاد دارد: «کارگر یک واژه برای مظلوم‌نمایی است، گاهی حقوق کارگر از فوق‌لیسانسی که زیر دستش کار می‌کند بالاتر است، علاوه بر این انواع و اقسام بن و کمک‌هزینه هم به آن‌ها می‌دهند. امروز کارگر مظلوم واقعی، همه کادر سلامت کشور هستند.» «سیدسجاد» گفته: «مدتی قبل، هفت کارگر داروسازی تبریز در اعتراض به دستمزدشان اخراج شدند و یکی از کارگران اخراجی در مقابل کارخانه اقدام به خودسوزی کرد که خدا را شکر موفقیت‌آمیز نبود. این خبر را جایی دیدید؟ در رسانه‌ها چیزی از اعتراضات کارگران به دستمزدشان می‌بینید؟»

البته رسانه‌های مختلفی به انتشار اخبار اعتراضات کارگران، بازنستگان، کشاورزان و اقشار دیگر جامعه به وضع معیشت خود می‌پردازند اما ظاهرا آنچه به جایی نمی‌رسد فریاد است.



میدان مشق



ارمغان زمان فشمی

تکرار مکررات

این روزها حال شهر خوب نیست. دیدن افراد زباله‌گرد به تجربه‌ای روزمره و تکراری بدل شده است. این موضوع که بعضی آدم‌ها نشان را از داخل سطل‌های زباله بیرون می‌کشند، دیگر حتی آزاردهنده هم نیست.

دستفروشان با بقیچه‌های لیف و کیسه و آدامس و جوراب در گوشه‌گوشه شهر جا خوش کرده‌اند و چهارچشمی اطراف را می‌پایند تا به محض سر رسیدن مأموران شهرداری، بساطشان را نجات بدهند؛ بساط‌های محقری که هر کدامشان را با پول یک پرس چلوکباب اعلا می‌شود خرید.

خدا نکند کسی مریض شود و پول نداشته باشد!

مردم در بیمارستان‌های دولتی و در کوچه پس‌کوچه‌های خیابان ناصرخسرو با آشننگی به این طرف و آن طرف می‌روند تا شاید بتوانند برای تسهیل روند درمان عزیزشان کاری انجام بدهند اما کمتر با همدلی مواجه می‌شوند. لیخندهای کادر درمان در بیمارستان‌های خصوصی هم تصنعی به نظر می‌رسد. یک فرض این است که این‌ها هم خوش‌رفتارند، چون پولش را می‌گیرند، درست مثل مسئولان مدارس غیرانتفاعی!

سفرها روزبه‌روز کوچک‌تر و مختصرتر می‌شود. گوشت و مرغ و میوه و اجیل و خیلی چیزهای دیگر، تقریباً از سبد خرید قشر متوسط حذف شده و مردمان زیر خط فقر، فقط خوابشان را می‌بینند.

یک عده از راه کلاه گذاشتن به سر دیگران پول درمی‌آورند و یک عده دیگر از برداشتن همان کلاه‌ها از سر دیگران! آمار سرت و کیف‌قایی و زورگیری روزبه‌روز بالاتر می‌رود اما کمتر مالباخته‌ای را می‌بینیم که شکایت و مراجعه‌اش به پلیس، فایده‌ای داشته و مالش را به او برگردانده باشد. پلیس و نیروی انتظامی در جای دیگری سرگردند.

این روزها مردم زیر بار فشار اقتصادی و مشکلات بی‌شمار دیگر کمر خم کرده‌اند. عده زیادی از مردم دیگر حتی از پس اجاره کردن خانه هم بر نمی‌آیند.

در این میان مسئولان همچنان به دنبال دعوای جنایی و رو کردن دست‌همدیگر و بازی‌های رسانه‌ای هستند. دیگر کسی امید اصلاح هم ندارد. ما هم از تکرار مکررات خسته شده‌ایم.

این‌ها را نوشتیم تا یادآوری کنیم در آستانه روز جهانی کارگر، کاش کسی به فکر کارگرها باشد، به فکر قشری که از همه بیشتر زحمت می‌کشند و از همه کمتر بهره می‌برند.

Email:jameettelaat@gmail.com